

نتیجه‌گیری

○ مورای ناولز
○ کریستن مامجز
○ مترجم: شهرام اقبال زاده

ما بر آن بودیم که شمای کلی تحول ادبیات مختص کودکان را در صد و پنجاه سال اخیر ترسیم کنیم تا به بحث کوتاهی دربارهٔ چنین گسترشی، در چارچوبی عام بپردازیم و بر اهمیت رابطه مؤلف - خواننده، به نحوی تأکید کنیم و منابعی را که کمکی مؤثر در گزینش متون به ما کرده‌اند، به عنوان گواه به دست دهیم.

دهه ۱۸۴۰، شاهد پیدایش داستان [ادبیات داستانی] نو [مدرن] بود که با شکل‌گیری داستان‌های مبتنی بر سنت نوجوانان و داستان‌هایی که فقط رسالات آموزشی صرف نبودند، همراه می‌شد. نباید این نکته مهم را به فراموشی سپرد که وقتی داستانی با ذهنیت مخاطب مژدر نوشته می‌شود، به هر حال، خوانندگان دختر بسیاری خواهد داشت. نویسندگانی هم چون آر.ام. بالانتاین (R. M. Ballantyne) که هنوز هم در بریتانیای پس از جنگ، مردان و زنان چهل - پنجاه ساله، داستان «جزیره‌ی مرجانی» او را به یاد دارند، مورد علاقه خوانندگان بوده بسیاری این داستان او را روایت دلخواه دوران جوانی خویش می‌شمارند.

اما زنان نویسنده انگلیسی نیمه دوم قرن نوزدهم، هیچ یک کاری درخور و ماندگار در سطح داستان یاد شده، خلق نکرده‌اند. آثار یونگ

(Yonge)، یوئینگ (Ewing)، مولزوورت (Molesworth) هرگز به شأن و اعتباری همانند آثار «کلاسیک» کودکان و روایت‌هایی چون داستان بالانتاین دست نیافتند. در حالی که لویزا.ام. دالکوت، به چنین جایگاه درخور توجهی رسید و این شاید به دلیلی است که وال (Wall)، در سال ۱۹۹۱، دربارهٔ «زنان کوچک» به ما گفته است. هرچند امکان دارد که این کتاب نیز جنبهٔ «اندرزگوییانه» داشته باشد، برخلاف آثار هم‌طراز بریتانیایی‌اش، «پند و اندرزگویی» به گونه‌ای خاص و با لحنی پذیرفتنی بیان می‌شود... داستان چهار خواهر، به صورتی کاملاً ساده، توسط یکی از خواهران بیان می‌شود. او زبانی را به کار می‌برد که دختران، در بیان ساده گفتاری روزمره و در گفت و گوهای شان از آن استفاده می‌کنند. «زنان کوچک» از نظر ماه جزو متونی به‌شمار نمی‌آید که بیانگر سنتی متفاوت باشد و مطالعه و بررسی آن، از ارزش چندانی برخوردار نیست.

دختران انگلیسی قرن نوزدهم، از میان آثار نویسندگان انگلیسی، در عین آن که به داستان‌های سنتی جوانان تمایل نشان می‌دهند، اما اطلاعات بیانگر محبوبیت نویسندگان فانتزی و افسانه‌های پریان نیز هست...

چنانچه آشکار است، ما تنها به علت محدودیت فضا، توجه اندکی به تحول داستان در چهل سال اخیر نشان داده‌ایم. افزایش چشم‌گیر متن‌های مربوط به کودکان، در بریتانیای معاصر، برای ما چاره‌ای جز تلخیص متون جدید و از نظر کیفی برتر ادبیات کودک باقی نگذاشته است. به این ترتیب، توانستیم با گردآوری آنها رویه‌ای برای خلق کیفیت موردنظر مالی پی افکنیم. ما تلاش کرده‌ایم چنین کاستی‌هایی را با توجه بایسته و تحلیل تفصیلی جبران کنیم و به همین دلیل، به بحثی مشبع دربارهٔ متن‌های قرن بیستم نیز پرداخته‌ایم.

و سرانجام، تمام امید ما آن است که توانسته باشیم شرایطی فراهم کنیم که خوانندگان خود را در جریان موضوع موردنظرمان قرار دهیم تا از این طریق، آنها به آرای معینی از چگونگی تحول بسیار سریع ادبیات کودک و جنبه‌های جذاب فرهنگ خویش، دست یابند. اکنون مسئولیت ما آن است که تفکری را که برای کنترل [کودکان] و چگونگی ظهور ایدئولوژی به کار گرفت می‌شود، مورد بررسی قرار دهیم و چند و چون ارتباط آن‌ها را با کاربرد تحلیلی زبان‌شناختی دربارهٔ متن‌های برگزیدهٔ خود، به بحث بگذاریم.